

۱ بادامی که تفاوت نکند لیل و نهار
 آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
 این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود
 کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند
 ۵ خبرت هست که مرغان سحر می گویند:
 تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟
 که تواند که دغد میوه آلوان از چوب؟
 عقل، حیران شود از خوشه زین عنب
 پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز
 ۱۰ تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او
 نعمت بار خدایا، ز عدد بیرون است
 سعیا، راست زوان گوی سعادت بردند

خوش بود دامن صحرا و تماشای بحار
 دل، ندارد که ندارد به خداوند اقرار
 هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار
 نه همه مستعی، فهم کنند این اسرار
 آخرای خفته، سر از خواب جحالت، بردار؟
 حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار
 یا که دانند که بر آرد گل صد برگ از خار؟
 فهم، عاجز شود از نخته یاقوت انار
 ماه و خورشید مُخَر کند و لیل و نهار
 همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار
 شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار
 راستی کن که به منزل نرسد، کج رفتار

کلیات سعدی، بخش قصاید



خود ارزیابی

- ۱ چند نمونه از جلوه‌های زیبایی آفرینش و نعمت‌های خدا را در درس، بیابید و بیان کنید.
- ۲ مفهوم آیه ۴۴ سوره‌ی اسراء «آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر موجودی که در آنهاست، او را می‌ستایند»، با کدام بیت درس، تناسب دارد؟
- ۳ پیام بیت پایانی شعر را توضیح دهید.
- ۴

دانش ادبی

تشبیه، جان‌بخشی و مراعات نظیر

پیش از این با تفاوت «زبان» و «ادبیات» آشنا شدیم و دانستیم که هرگاه بخواهیم منظور خود را زیباتر و دلنشین‌تر بیان کنیم، از ادبیات بهره می‌گیریم. به همین دلیل است که ادبیات را زبان هنری یا زبان برتر می‌نامند. شعر، جلوه‌ای از زبان ادبی است. در درسی که خواندیم، شاعر از برخی آرایه‌ها برای ایجاد زیبایی و جذّابیت در زبان هنری، استفاده کرده است. مانند:

◀ تشبیه:

عقل، حیران شود از خوشه زَرینِ عَنب فهم عاجز شود از حُقّه یاقوت انار

◀ جان‌بخشی و مراعات نظیر:

کوه و دریا و درختان، همه درتسبیح‌اند نه همه مستمعی، فهم کنند این اَسرار

گفت‌وگو

- ۱ درباره‌ی پیام این درس با هم گفت‌وگو کنید.
- ۲ جلوه‌هایی از زیبایی منطقه و محلّ زندگی خود را ذکر کنید و درباره‌ی عبرت‌آموزی آنها بحث کنید.

گاهی تغییر در یک صدا (مصوّت) موجب تغییر معنای یک واژه می‌شود. به عنوان نمونه، واژه «انعام» به معنی بخشش و واژه «انعام» به معنی چارپایان است و یا واژه «آخر» به معنی دیگر و واژه «آخر» به معنی پایان است.

فعالیت‌های نوشتاری

۱ مترادف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.

شگفت، آگاهی، ستایش خداوند، شنونده، نادانی، انگور، رام، روز، مقصد، خوشبختی

.....

.....

۲ در بیت‌های زیر از کدام عناصر زیبایی سخن، استفاده شده است؟

– خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند: آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟

– تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

۳ بیت دوم درس را در یک بند، توضیح دهید.

.....

.....

.....

.....

.....



سفر

حکایت

روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به درِ آسیابی رسید. افسارِ اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ پس به همراهان گفت: «می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟، می‌گوید: معرفت این است که من در آنم. گردِ خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم، تا هر چه نباید، از خود دور گردانم!»

اسرار التَّوحید، محمَّد بن منوَّر





عجایبِ صنَعِ حق تعالی

۲

درس دوم

این درس به توصیف زیبایی‌های طبیعت می‌پردازد. توصیف یعنی وصف نمودن و جزئیات و ویژگی‌های یک پدیده را بازگو کردن. در وصف پدیده‌ها، توجه به عنصر تخیل مانند تشبیه و تشخیص و... اهمیت بسزایی دارد. در خواندن این گونه متن‌ها، از لحن توصیفی و آهنگی آرام و لطیف، بهره می‌گیریم. همچنین دقت در مفهوم جمله‌ها در نوع بیان آهنگ کلام، مؤثر است. لحن توصیفی با هدف شرح و توصیف خصوصیات و ویژگی‌های پدیده‌ها به کار گرفته می‌شود.

بدان که هرچه در وجود است، همه صنَعِ خدای تعالی است. آسمان و آفتاب و ماه و ستارگان و زمین و آنچه بر وی است، چون کوه‌ها و بیابان‌ها و نهرها و آنچه در کوه‌هاست، از جواهر و معادن و آنچه بر روی زمین است، از انواع نباتات و آنچه در بر و بحر است، از انواع حیوانات و آنچه میان آسمان و زمین است، چون میغ و باران و برف و تگرگ و رعد و برق و قوس و قزح و علاماتی که در هوا پدید آید، همه عجایبِ صنَعِ حق تعالی است و این همه، آیات حق تعالی است که تو را فرموده است تا در آن نظر کنی. پس اندر این آیات، تفکر کن.

در زمین، نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانب وی فراخ گسترانیده و از زیر سنگ‌های سخت، آب‌های لطیف روان کرده، تا بر روی زمین می‌رود و به تدریج بیرون می‌آید. در وقت بهار بنگر و تفکر کن که زمین چگونه زنده شود و چون دیبای هفت رنگ گردد، بلکه هزار رنگ شود.



نگاه کن مرغان هوا و حشرات زمین را هر یکی بر شکلی دیگر و بر صورتی دیگر و همه از یکدگر نیکوتر؛ هر یکی را آنچه به کار باید، داد و هر یکی را بیا موخته که غذای خویش چون به دست آورد و بچه را چون نکه دارد تا بزرگ شود و آشیان خویش چون کند. در مورچه نگاه کن که به وقت خویش غذا چون جمع کند.

اگر در خانه ای شوی که به نقش و کج، کنده کرده باشند، روزگاری دراز، صفت آن کوی و تعجب کنی و همیشه در خانه خدایی، هیچ تعجب نکنی! و این عالم، خانه خداست و فرش وی، زمین است و لکن سقفی بی ستون و این، عجب تر است و چراغ وی ماه است و شعله وی آفتاب و قدیل های وی ستارگان و تراز عجایب این، غافل که خانه بس بزرگ است و چشم تو بس مختصر و در وی نمی گنجد.

و مثل تو، چون مورچه ای است که در قصر ملکی سوراخی دارد؛ جز غذای خویش و یاران خویش چیزی نمی بیند و از جمال صورت قصر و بسیاری غلامان و سربر نلک وی، هیچ خبر ندارد.

اگر خواهی به درجه مورچه قناعت کنی، می باش و اگر نه، راحت داده اند تا در بستان معرفت حق تعالی، تماشا کنی و بیرون آیی؛ چشم باز کن تا عجایب بینی که مدهوش و متحیر شوی.

کیمیای سعادت، امام محمد غزالی

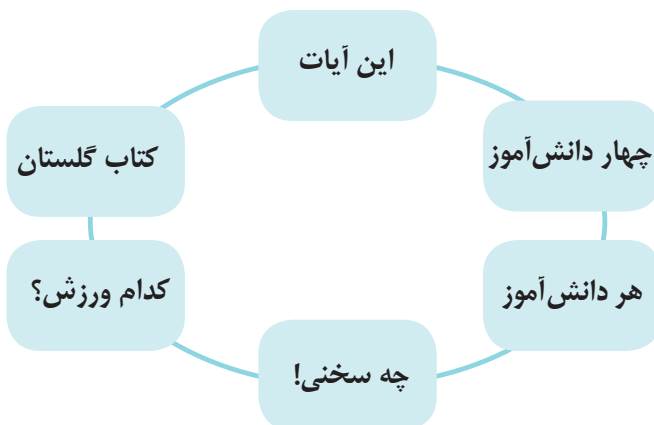
خودارزیابی

- ۱ کدام بخش درس، به روز رستاخیز، اشاره دارد؟
- ۲ عبارت «هر یکی را آنچه به کار باید، داد» را توضیح دهید.
- ۳ بند «... و مَثَل تو چون مورچه‌ای...» چه ارتباطی با درک شگفتی‌های آفرینش دارد؟
- ۴

دانش‌زبانی

◀ وابسته‌های گروه اسمی ۱

در پایه هشتم خواندیم که اسم به عنوان هسته گروه، وابسته‌هایی دارد. این نوع از وابسته‌ها اگر پیش از اسم آورده شوند و مفاهیمی چون **اشاره**، **شمارش**، **پرسش**، **تعجب** و... را بیان کنند به آنها وابسته‌های «پیشین» می‌گویند و اگر پس از اسم به کار روند و ویژگی‌های اسم را بازگو کنند، آنها را وابسته‌های «پسین» می‌نامند. مانند:



مانند:

وابسته‌های پسین	هسته	وابسته‌های پیشین
باغ	دیوار	-
خوب	مقاله	-
موفق	گروه	همان
کتاب	درس	هر

گفت‌وگو

- ۱ دربارهٔ زیبایی‌های آفرینش که در کتاب‌های دیگر به ویژه قرآن کریم خوانده یا شنیده‌اید، گفت‌وگو کنید.
- ۲ دربارهٔ جملهٔ «همیشه در خانهٔ خدایی، هیچ تعجب نکنی!» گفت‌وگو کنید.

فعالیت‌های نوشتاری

۱ مترادف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.

سرگشته، رنگین‌کمان، آفرینش، تخت، ابر، فرش، شناخت

۲ در عبارت‌های زیر، هسته و نوع وابسته‌ها را مشخص کنید.

الف) سنگ سخت و آب لطیف

ب) این عالم زیبا

ج) چه خلقت شگفت‌انگیزی!

د) کدام مستمع آگاه است؟

۳ پیام متن زیر را بنویسید.

«این عالم، خانهٔ خداست؛ چراغ وی ماه است و شعلهٔ وی آفتاب و تو از عجایب این غافل؛ که خانه بس بزرگ است و چشم تو بس مختصر.»



پرواز

شعرخوانی

۱

در پیله تا به کی، بر خویشتن تنی؟
 پرسید کرم را، مرغ از فروتنی
 تا چند منزوی، در کنج خلوتی؟
 درسته تا به کی، در محبس تنی؟
 در فکر رستم - پانچ بداد کرم -
 خلوت نشسته ام زین روی، منحنی
 همسال حای من، پروانگان شدند
 جستند از این قفس، گشتند دیدنی
 در جس و خلوتم، تا و ارحم به مرگ
 یا پر بر آورم، بھر پریدنی
 اینک تو را چه شد، کای مرغ خانگی
 کوشش نمی کنی، پز می نمی زنی؟

۵

نیما یوشیج (علی اسفندیاری)



شکفتن

شکفتن



خواهی بخوان و خواه بخوان ما نوشتیم

در زندگی، مطالعه دل قیمت است

عبدالقادر بیدل



مثل آینه

۳

درس سوم



متن های تعلیمی، با هدف آموزش و اندرز، نوشته شده اند، از این رو، خواننده باید آهنگ و لحن متناسب با فضای تعلیمی را رعایت کند. در لحن تعلیمی، خواننده با حفظ روحیه نیک اندیشی و خیرخواهی، نرمی و ملایمت در گفتار را به کار می گیرد. حفظ آرامش و نرم گفتاری، بر تأثیر کلام اندرزی می افزاید، البته گاهی اندرز و تعلیم با زنهار و پرهیز، همراه است و نباید آن را با لحن دستوری و فرمان، یکی دانست.

نوجوانی تولد دوباره انسان است. در این مرحله پرتب و تاب، نوجوان، افزون بر رابطه با خود، نیازمند رابطه ای دیگر نیز هست؛ نیازمند دو چشم دیگر که نوجوان را ببیند و به او بگوید: کیست و چگونه است؛ از همین جاست که دوستی و پیوند با دیگران آغاز می شود. این ارتباط، وابسته به نیاز درونی است که به نوجوان کمک می کند تا به خودشناسی برسد. دیگران، زبان نقد او و پنجره هایی هستند که در برابر دیدگان پرشکر وی، گشوده شده اند. دوستان واقعی، راه نیک بختی را به ما نشان می دهند و همراهان خوبی برای شکوفایی بهتر هستند. آنها مثل آینه، همان قدر که خوبی ها را پیش چشم می آورند، عیب ها را هم به ما می نمایانند و مهم تر آنکه این همه را بی صدا و بی هیاهو، باز می گویند. رسم دوستی، شکستن آینه نیست؛ درست آن است که فرصت بازاندیشی و خودشکوفایی را پدید آوریم و گامی به سوی فراتر رفتن برداریم.

آینه، چون نقش تو بنمود راست خود شکن، آینه شکستن خطاست

(نظامی گنجای)





کار و شایستگی

که خودپندزی و پندار نیست
 متاع جوانی به بازار نیست
 که باری است فرصت، دگر بار نیست
 چو در هست، حاجت به دیوار نیست
 پیاموز، آموختن عار نیست
 تو را تا در آینه، زنگار نیست
 ز آغاز، هر خوشه خروار نیست
 دریغا که شاگرد هشیار نیست

۱ جوانی، که کار و شایستگی است
 چو بفروختی، از که خواهی خرید؟
 غنیمت بشمر، جز حقیقت مجوی
 پیچ از ره راست، بر راه کج
 ۵ ز آزادگان، بردباری و سعی
 به چشم بصیرت به خود درنگر
 همی دانه و خوشه، خروار شد
 همه کار ایام، درس است و پند

پروین اعتصامی

خودارزیابی

- ۱ نویسنده به چه نوع ارتباطهایی در دوران نوجوانی اشاره کرده است؟
- ۲ ویژگی‌های مشترک آئینه و دوست را بیان کنید.
- ۳ به نظر شما چه ارتباطی میان دو بخش نثر و شعر درس وجود دارد؟
- ۴

دانش ادبی

به بیت زیر، توجه کنید:

«چو بفروختی، از که خواهی خرید؟ متاع جوانی به بازار نیست»

گاهی برای تأکید بر سخن و گاهی برای رد یا نفی آن، پرسشی را مطرح می‌کنیم. همان‌گونه که می‌بینید در مصراع اول بیت بالا، پرسشی مطرح شده است. مقصود گوینده آن نیست که جوانی را از چه کسی خواهی خرید؟! شاعر، خود از این موضوع آگاه است. قصد او تأکید بر انکار این موضوع است که دوره جوانی، قابل خرید و فروش نیست؛ چنانچه از این دوره به خوبی بهره‌گیری، به هیچ روی نمی‌توانی آن را جبران کنی؛ یا اگر شخصی به دیگری بگوید: «من کی این حرف را زدم؟»، منظور او این است که من این حرف را نزده‌ام. به این‌گونه پرسش‌ها، «پرسش انکاری» می‌گویند.

گفت‌وگو

- ۱ درباره مفهوم جمله «المؤمنُ مرأة المؤمن» و ارتباط آن با درس بحث و گفت‌وگو کنید.
- ۲ بیت زیر، کدام ضرب‌المثل را به یاد می‌آورد؟ درباره ارتباط آنها توضیح دهید.
همی دانه و خوشه، خروار شد ز آغاز، هر خوشه خروار نیست

در نوشتن واژگانی مانند پائیز، آئینه، کجائید و... به جای همزه، بهتر است از حرف «ی» بهره گیریم. مانند: پاییز، آئینه و...

به چشم بصیرت به خود در نگر تو را تا در آئینه، زنگار نیست

فعالیت‌های نوشتاری

۱ در میان واژه‌های زیر، هم‌خانواده کدام واژه‌ها در متن درس به کار رفته است؟ آنها را بیابید و بنویسید.

غنی، حجت، یوم، مغتنم، مبصر، احتیاج، صبور، دوام، مساعی، سعید

۲ در بیت زیر کنایه‌ها را مشخص کنید و معنی آنها را بنویسید.

میچ از ره راست بر راه کج چودر هست، حاجت به دیوار نیست

۳ با ذکر دلیل، گونه‌های پرسش را در بیت‌های زیر مشخص کنید.

- که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟
- خار بر پشت زنی زین سان گام
- هر شب که روی به جامه خواب
- کان روز، به علم تو چه افزود؟
- یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار؟
- عزت چیست؟ عزیزیت کدام؟
- کن نیک تأمل اندر این باب
- وز کرده خود، چه برده‌ای سود؟



باغبانِ نیک اندیش

حکایت

روزی خسروی به تماشای صحرا بیرون رفت. باغبانی پیر و سالخورده را دید که سرگرم کاشتن نهال درخت بود. خسرو گفت: «ای پیرمرد، در موسم کهنسالی و فرتوتی، کار ایام جوانی پیشه کرده‌ای. وقت آن است که دست از این میل و آرزو برداری و درخت اعمال نیک در بهشت بنشانی، چه جای این حرص و هوس باطل است؟ درختی که تو امروز نشانی، میوه آن کجا توانی خورد؟» باغبان پیر و پاک‌دل گفت: «دیگران نشانند، ما خوردیم، اکنون ما بنشانیم تا دیگران خورند.»

بازنویسی از **مرزبان نامه**، سعدالدین وراوینی





دوستی و پیوند با دیگران، یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است. هنگامی که آدمی با مشکل یا مسئله‌ای رویارو می‌شود که به تنهایی نمی‌تواند آن را از پیش رو بردارد، اگر دوستی، با وی همراهی و همدلی کند، باعث خوشحالی و خرسندی او می‌شود؛ در واقع دوستان در تمام لحظه‌های زندگی، خوشی و ناخوشی، به ما کمک می‌کنند. مصاحبت با یک دوست خوب و شکیبا، همچون وزش نسیم دل‌انگیزی است که احساس آرامش و سبکی و صفای درون را در ما زنده می‌سازد. به این تصویر زیبای سعدی از دیدار دوست، توجه کنید:

دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد؟ ابری که در بیابان بر تیشه‌ای بارود

در جهان و زندگی کنونی، افرادی که شبکه ارتباطی گسترده و دوستان فراوان دارند، در برابر دشواری‌های زندگی موفق‌ترند و سلامت روانی و جسمانی بهتری دارند؛ بنابراین باید اهمیت و ارزش این گونه ارتباطها را بدانیم و در پی ایجاد دوستی‌های خوب و مفید باشیم. انسان بی‌دوست، همواره غمگین است؛ به بیان دیگر، تنهایی یکی از سنگین‌ترین مصائب است، «ذوقی چنان ندارد، بی‌دوست زندگانی.»

آنچه در شناخت افراد به ما یاری می‌رساند، مشورت با پدر و مادر، معلمان دلسوز و

مریّان با تجربه است که ما را از دام و چاه این راه آگاه می‌سازد و آسیب‌های این مسیر را نشان می‌دهد. چه بسیارند کسانی که لاف دوستی می‌زنند اما در حقیقت، گرگ‌هایی در جامه کوسفندان هستند. مولوی چنین گفته است:

مار بد جانی ستاند از سلیم یار بد آرد سوی نار مقیم

